



شماره: ۱۵۲۸۲۲
تاریخ: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳
ساعت: ۱۵:۵۷
شماره پرونده: عادی
نوع پرونده: آتی



سازمان امور زمان و خانواده
ریاست عمومی

«لایحه اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات
و اصلاحات بعدی»

تاریخ تهیه و تدوین: پاییز و زمستان ۱۳۹۹

«**لایحه اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی**»^۱

۱- بیان مسأله

ماده ۱۴^۲ قانون آیین دادرسی کیفری،^۳ مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی، تصریح دارد به اینکه: «شاکلی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند»؛

لیکن تبصره ۲ این ماده اشاره می کند: «منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اطلاق نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دبه^۴ نمی شود»؛

1 - **محقق و نگارش:** زهرا جعفری (کارشناس ارشد ندرت بررسی های امور حقوقی معاونت امور زنی و خانواده ریاست جمهوری). **ناظران اجرایی:** اشرف گرامی زاده گل (مشاور حقوقی و پارلمانی معاونت ریاست جمهوری در امور زنی و خانواده) و سوسن باستانی (معاون بررسی های راهبردی معاونت ریاست جمهوری در امور زنی و خانواده).

2 - **ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی:** «شاکلی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند».

تبصره ۱ - زنی معنوی عبارت از صدمات روحی یا تنگ جنبت و افتنار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زنی از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جرایم و امثال آن حکم نماید.

تبصره ۲ - منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اطلاق نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دبه نمی شود».

3- **ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی:** «آیین دادرسی کیفری، مجموعه مقررات و فوایدی است که برای کشف جرم، تعقیب منہم، تحقیقات مقدماتی، مباحث گیری، صلح قبل طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق انذار به آرام، اجرای آرام، تعقیب وظایف و اختیارات مقامات قضایی و مابطن دادگستری و رعایت حقوق منہم، بزه دیده و جامعه وضع می شود».

4- **لازم به ذکر است مستنداً به ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱، مجازات های مندرج در این قانون، به چهار دسته مشتمل بر حد، قصاص، دبه و تعزیر به شرح زیر، تقسیم می شوند:**

- **حد:** «حد مجازاتی است که موجب، نوع، منزل و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است.» (ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱).
- **قصاص:** «قصاص مجازات اصلی برای جنایات عمدی بر نفس، اعصاب و منافع است.» (ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱).

در واقع همان‌طور که متن تبصره نشان می‌دهد، حکم مقرر در این تبصره تملکی قربانیان جرایم کیفری که مشمول دریافت دیه شده‌اند: نظیر «قربانیان جرایم خشن بدنی» یا «قربانیان جرم اسیدپاشی» یا «قربانیان صدمات شدید بعضاً قطع نخاع» که بالاخص شامل «زنان قربانی خسونتهای شدید» و یا «زنان قربانی اسیدپاشی» می‌شوند را صرفاً به دلیل دریافت دیه و بدون توجه جامع‌نگر در الزامات فقهی، حقوقی و قانونی، از دریافت «خسارات معنوی» مستثناء کرده است و این استثناء مثالی «موازن مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، «تصريحات فقه امامیه» و مخالف «اصول رگین حقوقی» و مهم‌تر از آن، در تعارض یا «مطالبات قربانیان جرم»، «افکار عمومی حقوقدانان» و «ضرورت‌های اجتماعی در کلیت خود» و حتی بر خلاف هدف ماده ۱۴ است؛ زیرا این ماده در مقام ترمیم و جبران تملکی خسارات ناشی از جرم است، لیکن این مهم‌ترین خسارت وارده به یزهدیده را از جبران مستثنا می‌داند و بی‌پاسخ می‌گذارد:

بنابراین مراتب و نظر به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم جبران یا عدم جبران خسارات وارده معنوی وارده به یزهدیده بر تحکیم بنیان خانواده و تحمیل هزینه‌های ناشی از آن بر هزینه‌های خاتوار و مآلاً سطح رفاه و معیشت نهاد خانواده، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری «لایحه اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی» را تهیه و تنظیم و جهت طی تشریفات قانونی تصویب در هیأت دولت تقدیم می‌دارد.

۲- مفهوم شناسی

نتیجه اولیه ارتکاب جرم علیه افراد وجود خسارت است؛ یعنی قربانی جرم یا همان یزهدیده از جرم، بعد از ارتکاب جرم متحمل خسارت می‌شود. این خسارت در انواع مختلف عرض اندام دارد؛ به این معنی که یزهدیده یا خسارت متوجه جسم و روان خود را در اثر ارتکاب جرم تجربه می‌کند یا خسارتی متوجه اموالش می‌شود و یا خسارت معنوی را تجربه می‌کند؛ یعنی نتیجه ارتکاب جرم ورود خساراتی در قالب «خسارت جانی»، «خسارت مالی» و «خسارت معنوی» است؛ از این حیث:

- «خسارت جانی» متوجه تملکیت جسم و روان یزهدیده می‌شود؛ برای مثال یزهدیده در اثر ارتکاب جرم، قدرت شنوایی یا بینایی خود را از دست می‌دهد یا نقصان و کاهش عقلاتی در او ایجاد می‌شود؛
- «خسارت مالی» به مجموعه آسیب‌هایی گفته می‌شود که متوجه اموال و دارایی فرد یزهدیده شده و ارزش دارایی‌های وی را کاهش داده است؛ به عنوان مثال پارز، یزهدیده برای درمان آسیب‌های ناشی از یژه که متوجه جسم او شده هزینه‌هایی را تحت عنوان «هزینه درمان» متقبل می‌شود و این هزینه‌ها خسارتی است که متوجه مال فرد شده و دارایی‌های وی را کاهش داده است^۵ و یا یزهدیده، منافع ممکن‌الحصول^۶ خود را از دست می‌دهد؛ مثلاً راننده تاکسی در

• دیه: «دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ابراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و با جنایت عمدی در مواردی که به هر چینی فضاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود.» (ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱):

• معزیز: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، فضاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعین و اعمال می‌شود.» (ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱).

5- هدایت‌الله سلطانی‌نژاد، بررسی تطبیقی خسارت معنوی، تهران، مبرز دانش، ۱۳۹۴، ص ۶

اثر خسارت جسمی، در دوره درمان خود نمی‌تواند به اشتغال بپردازد و در نتیجه درآمدی را که انتظار می‌رفت در این دوره عاید او شود، از دست می‌دهد:

- و بالاخره قسم سوم از خساراتی که در اثر ارتکاب جرم پر بزه‌دیده تحمیل می‌شود، «خسارت معنوی» است و به آن دسته از خسارت‌هایی اطلاق می‌شود که متوجه حیثیت فردی، حیثیت خانوادگی و یا حیثیت اجتماعی بزه‌دیده شده است: در واقع منظور از خسارت معنوی درد و رنج روحی و روانی‌ای است که فرد در اثر ارتکاب جرم تجربه می‌کند و عمدتاً در دو شکل نمود پیدا می‌کند: الف- درد و رنج ناشی از ملاحظه آسیب جسمی به این معنا که مثلاً بزه‌دیده بینایی خود را از دست می‌دهد یا نقصی در جسم او حاصل می‌شود و این باعث رنجش او می‌شود و یا ب- بزه‌دیده در اثر ارتکاب جرم توانایی کارکردن خود را از دست می‌دهد و دچار ازکلافانادگی جزئی یا کلی می‌شود و یا به دلیل نقص عمده‌ای که از نظر زیبایی‌شناختی در او ایجاد شده است، به طور مداوم در مراودات اجتماعی خود حس حقارت را تجربه می‌کند؛ بنابراین در این شکل از خسارت، ارتکاب جرم علیه فرد، زندگی اجتماعی وی را تحت تأثیر قرار داده است.⁷

۳- اقدام پیشنهادی

همان‌طور که در قسمت بیان مسأله اذعان شد، نظر به ضرورت توسعه شمول حکم مقرر در صدر ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی به تملکی بزه‌دیدگان؛ بالاخص زنان بزه‌دیده، اقدام پیشنهادی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، اصلاح ماده قانونی مذکور و مآلاً تدوین «لایحه اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی» می‌باشد.

6 - از نظر مشورتی شماره ۷/۱۹۰۱-۱۳۹۶/۰۸/۲۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه: «اولاً منافع ممکن‌الحصول، منفعی هستند که مقنن وجود آنها حاصل شده باشد. این گونه منافع را عرف و قانون در حکم موجود می‌داند و چنانچه کسی آن را تلف کند یا بعلت تقویت آن شود، باید خسارت ناشی از اقدام خود را جبران کند؛ مانند اجرت‌المثل ایام بیکاری رائده شافل تا کسی صدمه‌دیده که با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و قواعد تسبب و لاضرر و مقررات قانون مسئولیت مدنی، این فیل منافع قابل مطالبه‌اند؛ به هر حال تمیز و تشخیص منافع ممکن‌الحصول در هر مورد، به عهده قضای رسیدگی کننده می‌باشد و احصاء مصادیق آن خارج از وظایف این اداره کل است... ثالثاً هر چند طبق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی، «دیه» یکی از انواع مجازات‌ها است، ولی با توجه به مواد ۱۷ و ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، «دیه» اعم از مقدر و غیرمقدر مالی است که در شرع مقدس برای ابراد جنابت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع یا جنابت عمدی در مواردی که به هر جهتی فضاصل ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود، بنابراین برای مصدوم ابتدا چیزی بیش از دیه نیست، مگر این که دیه مقرر تکلفی هزینه‌های درمان را نکند و مصدوم بیش از آن، هزینه نماید که در این صورت مقصر از بک تسبب و فاعله لاضرر با توجه به مقررات مواد ۱، ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ باید هزینه معارف درمل مازاد بر دیه را نیز پرداخت کند و هزینه معارف درمل، متفاوت از منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی مذکور در تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است...».

7 - دادنامه موضوع مطالبه خسارات ناشی از انتقال خون آلوده متجر به بیماری انتقال‌گیرنده، شماره ۸۸۰۹۹۷۰۲۲۶۱۰۳۸۳، شماره پرونده ۸۵۰۰۲۲، تاریخ تنظیم ۱۳۸۸/۰۵/۲۱، کعه اول عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی، ص ۷ از دادنامه.

۴- ظرفیت‌های قانونی موجود و الزامات فقهی برای تدوین لایحه حاضر

تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی، در تأمین عدالت کیفری برای پژوهیدگانی که علاوه بر خسارات مشهود که موضوع دیه و یا ارش^۸ قرار می‌گیرد، متحمل خسارات عمده و جبران‌ناپذیر معنوی شده‌اند، با پایسته‌های نوین عدالت کیفری و سیاست‌های جنایی نوین فاصله بسیار دارد؛ به نحوی که نه تنها قابلیت انطباق با آموزه‌ها و تحولات نوین حقوق کیفری و نظام مسئولیت مدنی را ندارد، بلکه هم‌چنین از بسیاری از سیاست‌ها و تکالیف کیفری مندرج در قانون اساسی و قواعد فقهی عقب مانده است. این رکود و جمود، آن هم نسبت به موضوعاتی که با کرامت انسانی، حیثیت و تمامیت جسمانی و روانی شهروندان و حرمت تعرض به آن، ارتباط تنگاتنگ دارد، در کوتاه‌مدت سلب لمنیت خاطر پژوهیدگان و در بلندمدت سلب اعتماد جامعه در کلیت خود را نسبت به نوائمنندی و کفایت نظام کیفری در برخورد با متعرضان به تمامیت جسمی و روانی شهروندان و ترمیم کامل خسارات مادی و معنوی وارده به قربانیان، در پی دارد؛

لیکن نظام حقوقی ما در بردارنده تکالیف کلّاتی است که از عموم و اطلاق آن می‌توان به مثابه یک ظرفیت مطلوب برای اصلاح تبصره مذکور و رفع خلأ قانونی موجود در حوزه ترمیم خسارات معنوی وارد بر پژوهیده بهره گرفت. در ادامه به اهمّ این ظرفیت‌ها اشعار می‌شود:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شریح زیر «حق دادخواهی عادلانه و لوازم و اقتضانات آن» را در اصول متعدد مناط توجه قرار داده است؛ از این منظر:
 - بند ۱۴ اصل ۳ «تأمین امنیت قضایی عادلانه» را در زمره وظایف کلان دولت جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرده است؛
 - اصل ۲۲ «حق امنیت فردی» و «حق حمایت در برابر انواع تعرض» را برای افراد مورد شناسایی قرار داده است؛ این اصل دلالت بر این معنی دارد که اگر فردی حیثیت، مال یا جانش مورد تعرض قرار گرفت باید راهکاری برای حمایت از او و جبران خسارت وارده بر او در سطوح تقنینی، اجرایی و قضایی پیش‌بینی شده باشد؛
 - اصل ۳۴ بر «تحقق حق دادخواهی» و «تأمین اقتضانات دادرسی عادلانه» تصریح دارد و آن را از حقوق شهروندی می‌داند؛

- قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷، در ماده ۱ متعرض «اصل مسئولیت و جبران خسارات وارده ناشی از عمل خود» شده است و یا بیان کلی اشعار می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارّتی یا به هر حقّ دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده

۸- ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱: «هرگاه در اثر جنابت صمغی بر عضو یا منافع وارد آید، چنانچه برای آن جنابت در شرع دیه مقرر است معنی از آن به شرح مندرج در این فائو مقرر شده باشد، مقدار مقرر و چنانچه شرعاً مقدار خاصی برای آن تعیین نشده، ارزش آن قابل ملاحظه است.»

نظسه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد» و لذا این ماده می تواند به نحو مطلوب، در موضوع حاضر مورد استدراک واقع شود:

• قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰ - ۱۳۹۶، مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴، در ماده ۱۱۳ تصریحاً بر «احیاء حقوق عامه» و «تحقق عدالت قضایی» تأکید دارد و بدون تردید، از پایسته های عدالت قضایی، پذیرش «اصل مسئولیت و ترمیم خسارات حاصله از جرم» در سطح قوانین موضوعه و پرچای نمادین خسارات جبران شده می باشد:

• در عین حال، شریعت مقدس اسلام قرن ها پیش در قالب قواعد فقهی: نظیر «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، «نفی عسر و حرج» و «انلاف و تسیب» بر ضرورت جبران کامل کلیه خسارات وارده: اعم از خسارات مادی و معنوی حکم تأیید نهاده است. جالب است توجه نماییم که منشأ بیان قاعده لا ضرر، توسط پهلوی اکرم (ص) صرفاً جبران ضرر معنوی ناشی از سوءاستفاده از حق، بوده است و برخی از برجسته ترین فقیهان: نظیر صاحب عناوین، میرزای نائینی و آیت الله سیستانی، ضرر (در قاعده لا ضرر) را اعم از ضرر مادی و معنوی عنوان داشته اند.^۹

۵- نتایج و آثار مورد انتظار از تصویب لایحه حاضر

اصلاح تبصره ۲ ماه ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات، در بردارنده ثمراتی است که از جمله مصادیق آن بدون قید احصاء، می توان به موارد زیر اشعار داشت:

- تحقق «امنیت قضایی عادلانه»؛
- تحقق «حق دادخواهی» و «تأمین اقتضانات دادرسی عادلانه»؛
- «ارتقاء ماهیت بلزادندگی قوانین» و «بسیخ گویی افراد در برابر خسارات ناشی از عمل خود»؛
- «پیسگیری از تحمیل هزینه های جبران نشده بر هزینه های خانواده» و به تبع آن تحکیم بنیان خانواده و روابط خانوادگی؛
- «ایجاد وحدت حکمی بین قوانین نظام حقوقی کشور»؛ به این معنا که گرچه این تبصره دریاقت خسارت معنوی را برای مشمولان دیده استثناء کرده، اما ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷ که آن هم متعرض اصل مسئولیت و جبران خسارات وارده شده است، با بیان کلی اشاره می کند کسی که ضرر و زیان مادی یا معنوی را متوجه دیگران کرده، در برابر تأمین کلیه خسارات وارده مسئول است؛
- «ارتقاء توانمندی و کفایت نظام حقوقی کشور در حمایت از شهروندان در برابر تعرض به تمامیت جسمی و روانی آنها»؛
- «مرتفع نمودن نقص قانونی موجود در نظام حقوقی کیفری از حیث ترمیم خسارات معنوی وارد بر بزه دیده»؛

9 - دانشنامه موضوع مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی ناشی از اسپیدیشی و اعسار از پرداخت هزینه های دادرسی، شماره ۴۴۲، شماره پرونده ۱۵۰۳۹/۸۴ مورخ ۱۳۸۵/۰۵/۲۹، شعبه ۲۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران، صفحه ۱ از دانشنامه.

- «اتفاق بخشی بین مفاد تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات با متن و روح و هدف حاکم بر این ماده»:
- «ایجاد زمینه‌های قانونی لازم برای تحقق قواعد فقهی «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام»، «نفی عسر و حرج» و «اتلاف و تسبیب».

۶- متن قانونی پیشنهاد

بنابر مراتب مندرج در بندهای پیش گفته، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، متن پیشنهادی «لایحه اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی» را به ترتیب زیر، جهت طی تشریفات قانونی تصویب، تقدیم می‌دارد:

«تصویب نامه هیئت وزیران»

هیئت وزیران در جلسه مورخ..... بنا به پیشنهاد معاونت ریاست جمهوری امور زنان و خانواده و به استناد بند ۱۴ اصل ۳ (ایجاد امنیت قضایی عادلانه)، اصل ۲۲ (ممنوعیت تعرض به حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل اشخاص) و ۲۴ (حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸/۰۹/۱۲ با اصلاحات بعدی، ماده ۱۱۳ (احیاء حقوق علمه، تحقق عدالت قضایی و پیشگیری از وقوع جرم)، قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰-۱۳۹۶، مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴، بندهای ۵ (مصونیت جان، مال و حیثیت زنان از تعرض)، ۱۲۲ (حق برخورداری از حمایت قضایی)، ۱۳۸ (حق برخورداری از حمایت‌های همه جانبه قضایی)، ۱۴۱ (حق زنان در برخورداری از جبران خسارت مادی و معنوی) منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۰۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مواد ۶۳ (حق بهره‌مندی از تمامی حقوق مربوط به دادرسی) و ۶۷ (مشارکت دولت یا سایر قوا و مراجع حاکمیتی در ارتقاء نظام حقوقی ایران یا تأکید بر حقوق دادرسی) منشور حقوق شهروندی، ابلاغی ۱۳۹۵/۰۹/۲۹ رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران، «لایحه اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی» را به شرح زیر تصویب نمود:

ماده واحده- «تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی، به شرح زیر اصلاح می‌شود: منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید».